

نسل هزاره ایران و ضدیت با فرهنگ رسمی

به قلم آرش علایی (/fa/experts/arsh-layy/)

۱۶ ژانویه ۲۰۲۳

همچنین دست‌یافتنی به

/ (English (/policy-analysis/iranian-counterculture-and-gen-z
العربية (/ar/policy-analysis/althqaft-alayranyt-almdadat-waljiy-zd/)

درباره نویسنده

آرش علایی (/fa/experts/arsh-layy/)

آرش علایی تهیه‌کننده تلویزیونی و روزنامه‌نگار ویدئویی با سابقه است که از ایران برای نشریاتش چون مجله پپیل و شبکه خبری سی.بی.اس گزارش داده است. او با صدای آمریکا و تلویزیون ایران اینترنشنال در شهر واشنگتن هم کار کرده است.

تحلیل کوتاه

چندین دهه فرهنگ غیررسمی زیرزمینی در ایران اکنون به برآمدن جوانانی آگاه و مرتبط با هم انجامیده است که در اشتیاق آزادی و تغییرند

در حالی که اعتراضات مردم در ایران وارد چهارمین ماه خود شده جمهوری اسلامی به اقداماتی از سر استیصال برای سرکوب آنها متوسل شده است. برپایی محاکمات نمایشی گرفتن اعترافات اجباری بسیج هواداران و اخیراً نیز دو مورد اعدام که ممکن است موجی از اعدام‌ها را به دنبال داشته باشد اعدام محسن شکاری و مجیدرضا رهنورد جوانان ۲۳ ساله نشان می‌دهد که رژیم قصد دارد برای سرکوب ناآرامی‌ها علناً خون بریزد. با این حال به رغم سببیت علنی و پنهان رژیم نسبت به تظاهرکنندگان هیچ نشانه‌ای از خاموش شدن اعتراضات در ایران دیده نمی‌شود.

اهمیت کانتر-کالچر یا پادفرهنگ زیرزمینی ایران برای نسل‌هایی از ایرانیان که تحت نظام ایران فرسوده می‌شوند در کنار روایت‌های شخصی معترضان جوانی که به خاطر حرف زدن علیه رژیم کشته شده‌اند باعث برانگیختن انگیزه‌های عمیق جوانانی می‌شود که به بازگشت به خیابان‌ها ادامه می‌دهند. هر چه نباشد ویدئوها و روایت‌های شخصی به اشتراک گذاشته شده در شبکه‌های اجتماعی نشان می‌دهد که صداهای مخالف رو به افزایش است اما به نظر می‌رسد رژیم در مورد نحوه خاموش کردن آتش اعتراضات سر در گم مانده است. در حالی که تحلیلگران و کارشناسان بیرون از ایران در حیرت از گستردگی و اهمیت این جنبش اعتراضی هستند آنچه که واضح است مقاومت و شجاعت این معترضان به ویژه نسل زد/ Z یا نسل هزاره ایران است یعنی کسانی که در حدود سال‌های ورود به هزاره میلادی متولد شده‌اند و اکنون در سن نوجوانی و جوانی هستند.

به رغم نگرش انزواطلبانه رژیم اسلامی و فرهنگ یکسان‌سازی آن تاثیر یک فرهنگ زیرزمینی که طی چندین دهه در ایران شکل گرفته حالا موجب به خیابان آمدن جوانان شده است. جوانان ایرانی مدت‌هاست که مصرف‌کننده موسیقی و فیلم‌های غربی بوده و سعی در بازآفرینی آنها در داخل ایران داشته‌اند. این فضای رو به رشد مبارزه با فرهنگ رسمی چهل سال گذشته همراه با دسترسی بی‌سابقه به دنیای خارج از ایران نسل جدیدی ساخته که رژیم اسلامی را طرد می‌کند. نسل هزاره ایران در عصر اینترنت تلویزیون ماهواره‌ای و معجزه بازار در معرض دانش و اندیشه‌های جهان خارج قرار گرفته است. آنها خوب می‌دانند که رژیم به آنها دروغ می‌گوید.

در طول دهه هشتاد میلادی استفاده از دستگاه‌های ویدئو در مناطق شهری ایران رایج شد و گروه‌هایی از طبقه متوسط شهری و ایرانیان مرفه می‌توانستند از این طریق به فیلم‌های غربی و سرگرمی‌های رسانه‌ای دسترسی داشته باشند. تأثیر شمایل‌های فرهنگی غرب را - که از طریق این ویدئوها قابل دسترسی بودند - می‌شد در محبوبیت مایکل جکسون و ستایش او در ایران دید. وقتی شش ساله

بودم خاله‌ام مرا به یک پارتنی در پارک ملت برد و ما آنجا توانستیم چند نفر را با شکل و شمایل مایکل جکسون در حال رقص خاص او یعنی «بریک‌دنس» تماشا کنیم.

البته قانون خانه ما - و همانطور که بعداً فهمیدم قانون تقریباً همه خانه‌ها - این بود که هرگز نباید در مدرسه در مورد ویدئو یا کسی حرف می‌زدیم. در واقع رژیم دستگاه ویدئو را سال‌ها ممنوع کرده بود و اقدامات سختگیرانه‌ای را برای سرکوب بازار سیاه پخش نوارهای ویدئویی به اجرا گذاشته بود. با این حال ما به صورت هفتگی می‌توانستیم از میان لیست نوارهای زیرزمینی تعداد زیادی فیلم و سریال انتخاب و کرایه کنیم و در طول یک هفته آنها را تماشا کنیم و برگردانیم.

پادفرهنگ زیرزمینی ایران که در اصل با نوارهای ویدئویی تغذیه می‌شد از اواسط دهه ۹۰ میلادی تا اواخر آن با فراگیر شدن دیش‌های ماهواره‌ای و نصب آنها بر روی بام‌های خانه‌های تقریباً تمامی شهرها روستاها و نواحی حومه شهری ایران همچنان به رشد خود ادامه داد. آمارهای رسمی خود دولت ایران حاکی از آن است که ۸۰ درصد از جمعیت مناطق شهری به تلویزیون‌های ماهواره‌ای دسترسی داشته‌اند. هر هفته بدون وقفه شمال تهران به خاطر پخش ماهواره‌ای سریال «گارد ساحلی» (Baywatch) به شهر ارواح تبدیل می‌شد حتی «پارتنی‌های پرخوری» (binge parties) این سریال نیز در سطح شهر برپا می‌شد. من در دبیرستان بچه‌هایی را می‌شناختم که پوستر پاملا اندرسون (بازیگر این سریال) روی دیوار اتاق‌شان نصب بود تا عکس آیت‌الله خمینی.

در سال‌های بعد از ۲۰۰۰ ایران زیرساخت اینترنت خود را تقویت کرد و ایرانیان ناگهان این فرصت را پیدا کردند که از طریق کافه‌نت‌های محلی مستقیم‌تر به دنیای خارج متصل شوند. ناگهان هزاران ایرانی در پالتاک و چت‌روم‌های «باهو» حضور پیدا کردند و از طریق چت با افراد مختلف از کشورهای دیگر با پسرینه‌های گوناگون شناخت دست اول از جهان کسب کردند. شبکه‌های اجتماعی با وجود محدودیت‌هایی که وجود داشت به بستر مناسبی برای فعالیت فرهنگی در مقیاسی بزرگتر از همه رسانه‌های قبلی تبدیل شدند. بر اساس گزارش بانک جهانی تا سال ۲۰۲۰ هشتاد و چهار درصد ایرانیان به اینترنت دسترسی یافته‌اند.

سلب‌ریتی‌های ایرانی اکنون مورد توجه میلیون‌ها تن از هواداران خود در شبکه‌های اجتماعی مانند اینستاگرام هستند. در این شبکه آنها می‌توانند درباره مد انواع غذاهای بین‌المللی سفر و گاهی اوقات حتی سیاست داخلی پست بگذارند.

هرچند رژیم ایران این گرایش به ارتباط با جهان خارج را عملی خائنه می‌داند رسانه‌های غربی در چند دهه گذشته فقط گاه و بیگاه و شتاب‌زده به این جنبش پرداخته‌اند. من شخصاً این حرکت را در سال ۱۹۹۹ تجربه کردم زمانی که گروه موسیقی ما اولین کنسرت موسیقی راک انگلیسی زبان را در ایران پس از انقلاب برگزار کرد. در آن زمان شبکه ای‌بی‌سی در ایران بود و انتخابات مجلس ششم را پوشش می‌داد و ما آنها را به استودیوی خود دعوت کردیم و در آنجا آهنگ‌هایی از دایر استریپس و پینک فلوید اجرا کردیم. بعد آنها را به دانشگاه سوره بردیم که دیوار مشترکی با خانه آیت‌الله خامنه‌ای در تهران دارد و آنجا ترانه‌هایی مانند «تمومش کن» از گروه ایگلز (Eagles) را اجرا کردیم. به دنبال آن شبکه ای‌بی‌سی یک گزارش تلویزیونی چهار دقیقه‌ای به نام «خواننده‌های راک ایرانی» در مورد ما ساخت و پخش کرد.

با اینکه سیاسی نبودیم اما کنسرت‌هایمان مثل هر حرکت دیگری در ایران سیاسی شد. اجرای ما یک اقدام ناهنجار و غیرقابل قبول بود و پس از برگزاری سه کنسرت عمومی دیگر هرگز اجازه اجرا به ما داده نشد. در نهایت بعد از اینکه رژیم سعی کرد ما را ساکت کند نیمی از اعضای گروه ما به آمریکا مهاجرت کردند. جمهوری اسلامی با جلوگیری از بیان هنری ما ما را به دشمن خود تبدیل کرد همان‌طور که با نسل هزاره ایران همین کار را کرده است.

اکنون جوانان ایرانی که مثل ما تلاش می‌کنند برای خود هویتی خارج از چارچوب انتظارات رژیم ایران بسازند به قتل می‌رسند. سارینا اسماعیل زاده و نیکا شاکرمی دو تن از معترضان که گفته می‌شود در جریان جنبش اعتراضی کنونی به وسیله نیروهای امنیتی ایران مورد تجاوز قرار گرفته و به قتل رسیده‌اند نمونه‌هایی هستند که نشان می‌دهند نسل هزاره ایران برای چه نوع آزادی‌هایی مبارزه می‌کند و رژیم تا کجا برای مقابله با این آزادی‌ها پیش می‌رود.

سارینای شانزده ساله که در شهر کرج واقع در حومه تهران به قتل رسید در یوتیوب فعال بود. سارینا در کانال یوتیوب خود به بحث درباره مد آرایش و امتحانات مدرسه می‌پرداخت و ویدئویی از لب زدن همزمان او با هوزی (Hozier) خواننده ایرلندی آهنگ «مرا به کلیسا ببر» در فضای مجازی پربیننده شد و میلیون‌ها بازدیدکننده در شبکه‌های اجتماعی داشت.

سارینا همچنین از پلتفرم یوتیوبی خود برای بیان ناراحتی‌اش از محدودیت‌هایی که در زندگی خود با آنها مواجه بود استفاده می‌کرد. او در یک ویدئو از چالش‌ها و تبعیض‌هایی که به عنوان یک دختر ایرانی با آنها روبه‌رو بود حرف زد و با حجاب اجباری مخالفت کرد: «می‌دانید که در این کشور فرصت‌هایی که به پسران داده می‌شود به ما داده نمی‌شود». در یک ویدئوی دیگر در مورد امتحانات مدرسه‌اش حرف زد و گفت وقتی اضطراب این امتحانات از بین رفت چقدر احساس آرامش کرد: «احساس می‌کنم که ناگهان آزاد شدم». سارینا مانند بسیاری از دختران دیگر ناراحتی و امید به تغییر خود را به خیابان‌های گوهردشت کرج برد تا به رژیم اعتراض کند اما به گزارش عفو

بین‌الملل چند روز بعد در ۲۳ سپتامبر جنازه او پیدا شد در حالی که با باتوم کتک خورده و به او تجاوز شده بود.

گزارش‌هایی موجود است -از جمله پیام‌هایی در تلگرام- که نشان می‌دهد سارینا در آن روز به دختران دیگری در خیابان ملحق شده بود تا به قتل وحشیانه یک دختر نوجوان معترض دیگر به نام نیکا شاکرمی اعتراض کند. نیکا نیز مانند سارینا از طریق اینترنت به درک جدیدی از خود و هویت خود رسیده بود. به ویژه اینکه با نوجوانانی از نسل خود در کشورهای دیگر ارتباط برقرار می‌کرد. یک روز نیکا در اینستاگرام با دختری به نام نله از لایپزیگ آلمان آشنا شد. این دو مرتباً در مورد موسیقی انیمه و داستان‌های جنایی واقعی در غرب به یکدیگر پیام می‌دادند و به زودی رابطه عاشقانه‌ای بین آنها شکل گرفت. نله به مجله *تسایت (Zeit)* گفت که نیکا «نیمه دیگر او» بود.

اما در حالی که نله در آلمان در امنیت به سر می‌برد این رابطه برای نیکا در ایران خطر بزرگی محسوب می‌شد. نیکا که در حومه تهران به دنیا آمده و در آن محیط بزرگ شده بود دائماً در معرض بمباران روایت‌های تبعیض آمیز ضد غربی زن ستیز ضد یهودی و ضد مسیحی ضد روشنگری در نظام آموزشی و فرهنگ غالب جامعه و حوزه‌های سیاسی زندگی بود. نیکا باید با نظامی مبارزه می‌کرد که نه تنها با نفوذ غرب مخالف بود بلکه هویت او را نیز به‌عنوان عضوی از جامعه دگرپاشان محکوم می‌کرد. انگ می‌زد و جرم می‌شمرد. با این وجود نیکا مثل خیلی از ایرانی‌ها فرهنگ غربی را پذیرفت و در جامعه جهانی‌شده زیرزمینی ایران مقبولیت یافت و تمام اصول کتاب آیت‌الله (رساله خمینی) را زیر پا گذاشت و زمانی که به خیابان رفت تا برای هویت خودش و برای ایجاد تغییر در جامعه مبارزه کند بالاترین هزینه را برای این کار پرداخت. نیکا در ۲۰ سپتامبر ناپدید شد.

اینها البته داستان‌های جوانان ایرانی است که رژیم نمی‌خواهد شما بشنوید. برای مثال پس از مرگ نیکا مقامات ایران تلاش کردند تا اینطور جلوه دهند که نیکا از پشت بام سقوط کرده است. اما روایت شاهدان ماجرا بسیار متفاوت بود و مادر نیکا به رادیو اروپای آزاد گفت که نیکا از ناحیه سرش جراحات شدیدی داشته است.

داستان‌های نیکا سارینا مهسا امینی و بسیاری دیگر از جوانان ایرانی نسل هزاره برای درک ماهیت واقعی اعتراضات امروز بسیار ضروری است. این شهروندان جوان که از دسترسی به دنیای خارج طی دهه‌های اخیر نیرو گرفته‌اند برای بیان رویاهای خود می‌ایستند و وضعیت موجود را محکوم می‌کنند. وضعیتی که رژیم ایران تلاش زیادی برای تحمیل آن به جامعه کرده است. مرگ نیکا و سارینا تأکیدی است بر اهمیت امتیازاتی که ما در غرب آن را بدیهی می‌شماریم یعنی آزادی بیان و آزادی ابراز وجود. نسل هزاره ایرانی سال‌های زیادی از این آزادی‌ها محروم بوده و اکنون به امید آینده‌ای متفاوت برای به چنگ آوردن آنها مبارزه می‌کند.



RECOMMENDED



BRIEF ANALYSIS

Between the lines: Understanding the Houthi Employment Code of Conduct

ژانویه ۲۰۲۳ ۱۵

Laila Lutf Al-Thawr

(/policy-analysis/between-lines-understanding-houthi-employment-code-conduct)



تحلیل کوتاه

کردها علیه رژیم ایران: اثرات داخلی و منطقه‌ای

۱۵ ژانویه ۲۰۲۳

♦
عبدالله مهتدی,
شکریه برادوست,
دیوید یولاک

([fa/policy-analysis/krdha-lyh-rzhym-ayran-athrat-dakhly-w-mntqhay/](#))



BRIEF ANALYSIS

Iranian Daughters: Struggling for the Rights Their Mothers Lost in the Revolution

۱۳ ژانویه ۲۰۲۳

♦
Sepideh Zamani

([/policy-analysis/iranian-daughters-struggling-rights-their-mothers-lost-revolution](#))

TOPICS

([fa/policy-analysis/aqtsad-ayran/](#)) اقتصاد ایران

([fa/policy-analysis/amwrdakhly-ayran/](#)) امور داخلی ایران

([fa/policy-analysis/syast-kharjy-ayran/](#)) سیاست خارجی ایران

REGIONS & COUNTRIES

([fa/policy-analysis/ayran/](#)) ایران